

هوالمعین

تذکره

صاحب استیلا

ذکا الملک

باجازه وزارت حلیه

انطباعات

پنجشنبه یازدهم شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ هجری

(۱)

هفتاد و نهم پیاپی ماه فرانسه ۱۸۹۶

نمره اول

قیمت در دوازدهم پنجای

در خارج اجرت پست بعلاوه

هر کس معتاد مفیدی بداره تربیت فرستد و نشر از صلاح دانست بابت بسم خود بیه طبع خواهند بود

(اعلان)

بیاری قادر متعال جلت حکم و قد است ایما و با اجازه وزارت حلیه
انطباعات این روزنامه هفتگی موسوم (تربیت) شروع طبع نمود
و در از معاوضت بروی ارباب دانش گشود هر کس حرفی
سودمند داشته باشد بواسطه این جبهه می تواند بگوید و در راه وطن
کامی و راهی بگوید این در مثل بر برگزیده مطلب مفید است و از
اغراض تربیت و مدح و قبح و غیره فارغ و آزاد قیمت آن پهل و بنا
به مجانی با حدی داده میشود و چنانچه در حسبه اری آن بر نفسی مختار است
و عالم عالم خستیا

(آغاز سخن)

اکابر حکما و دانشمندان جهان بر آنند که بشه نوعی واحد است و ارای
استاد جنبی و ارای انواع اگر چه برخی غیر از این گفته قائل

با نوع شده و اصول استعداد هر نوعی را غیر از دیگری دانسته
این قول ضعیف است و مخصوصا این ادعیه که برع سکون یعنی معنوی
و اظهار آباد و قائم خمه طوری به هم ارتباط حاصل نموده و آموشد
پیدا کرده که در حکم یک ملک است و بنا به یک ناحت سکنت
و روی زمین هم با هم مجاور و جوار و همسایه دیوار بدیوار با هم
برای و محبتی در طرف چند روز از شرق مغرب میروند و از جنوب
بشمال میروند و دور و نزدیک را چنان میپیمایند که گویی ازین محله بآن محله
نقل مکان و تفرج میسینا پیا فرین بکجا و در حالین متحقق که در عواید
مل و خلاق امم و خصایص اقوام و خصایل قایل نظری نیست
و هوئی ثابت دارند و از بار یک بینی و موثکافی در میان متشابهات
فرق میکنند و همه جارادیده و بغیر عادات و حالات تمام طبقات
و اصناف خلایق از پسیاه و سفید و غیره رسید پس از تجارب

<p>در باغ بهشت بکاری و از خوش کوثر آب دبی لاله نمان یابد قسمی که در انیا میزند که جلد کنم میترم نیست اما از مواهب سینه آگهی و نشانیای رحمت یستثنای چون همه انعام و در اصول استعداد یکسان چنانکه بزرگان مجرب و حذب کاروان</p>	<p>عده و آتخانی فیده و سنجیده میگویند همه جا بشری است از یک وزاد و دارای یک قدرت و استعداد و تفاوتی که در میان است از تربیت است اگر راه تربیت باید خود را ببلار علی برپا و الا در خرابا خانه بی در و بام با و این مطلب را در مقدمه کی از سفر نامه های</p>
<p>فرموده اند بکار مطلب و ختم گوئیم اگر تفاوتی در میان است از تربیت و اگر نقصانی در جانی مشاهده شود از نقص مثبت پس حالا خوبست چشمی بکشایم و بحال خود نظری بنماییم پس سیم که ایم چه ایم چه ایم یا کیم خیم یا بد علف بنیاز بر جد از اجار کرید یا کین یا</p>	<p>(مادام فیفر) المانی از پستان مشهور هستند فرنگ و در با جای دیگر خوانده دیده ایم و از اخواه بر حال شنیده و از مطالبی که مویده نوع واحد بودن آنان است اینکه همیشه میگویند نوع بشر و میگویند بی جنس و مطلب از بس مسلم و مبرهن است حاجت بشاید و استناد نیست فقط آثار قوی کافی است برویم بر سر نتیجه</p>
<p>و نقصی داریم یا نداریم و باید خود را در ردیف آن مردان که امروز در صف اول قطار آدیت پیاده اند و پایه نایب را بر طاق و روانی بنده نهاده بشماریم یا شماریم</p>	<p>و مقصود اگر شبهه نوعی واحد نبود و اصول استعداد شوب و قابل اختلاف و تفاوت می نمود حق نیستیم نام اهل عالم را مکلف بیک تکلیف نمائیم و جمله را بصفه ضایقه و ذروه عالم و کمال و ترقی و تمدن و صنعت و هنر و خیرت و بصیرت توفیق و ترغیب نماییم و این جزوه جلیله و روشنه غنا</p>
<p>میدانیم و همه کار می توانیم اما برادران! ما داریم و وجود هر یک غیمت می داریم هر چه را می دانیم می پریم سوال میکنیم جواب میدهند و البته ما در این تعهدی که می نماییم تنها نمیکند از راه و راه همی</p>	<p>دعوت کنیم و بخوانیم چه این تجلی عشق و شاق بود و تکلیفی بمنی یا لا و بهر انتی جار است بگوید من در بند سرشتی مخصوصم و در جولا نگاهی محدود و مجبورم سیر من اندازده دارد و اگر تخم کند ناوسیر را</p>

می سپارند برادر می کنند بلکه پری خواجگی و پسروری چه
 خیری است برای همه است و اگر خط و حر استی شامل تمام در حال
 آنکه باشد و تقش می کنیم تا از مجاهدین باشیم قاعدین و در خیل
 مقتدین و پیادین و اگر جای بعضی در ارشاد و باضت گیرند
 و در ملک معلومات مضایقه نمایند و ما هستند که دل خشن
 از لوث غل و ساک پاک است و غره و ناصیه که امان در خشن
 و تاباک از بخندان بگریان ناپه بریم از پسه که خندان چشم پوشیم
 و در خوان اینجا غمخوار و بکین خوریم و نوشیم
 و زارت جلیله نظایعات چون از مقاصد پنهان و مدارک عینه و جن
 نت و خیال بند محسوسند علی حضرت شهریار فرخنده آثار و پدر
 مهربان تاجدار شاهنشاه کارگاه مظهر الدین شاه روحانده
 خبردار است باذن داد که این روزنامه هفتگی موسوم تربیت را
 طبع کنیم و منتشر سازیم و در دوره های هفتگی سابقه و آب
 تازی خودی در این مضمار اندازیم دست پائی کنیم و صاحبان آرزو
 رؤیای برینیم (بلکه باین فتد چون شده گوی برینیم)
 با هم میشت گری مکارم مبدوله پاراد بلندترین پیرزبان و عوی
 که داشته جرات کرده صاحبان بصرو اصل نظر اعلان می نماییم که

یونسی داریم و نه از حد و کینه و رقابت و رشک دیرینه بلکه برای
 عزیز کردن آن در مصر معارف و معالی عجاظه او را بشنی بخش می فرود
 و در برائت پاحت آن از وصت اغراض دست حتی المقدور می کشیم
 و آنان که پاک را از نا پاک تیرد دهند و در میان فرودیده یسوب و نارضا
 عرو ب فرق دهند البته از بخت گریز ناپه با هر سراسی خواهند نمود
 و آن کرمت خواهند نمود که مصر باین عزیز نامی پاکر از جامی مایل
 دنیا شود و منبع نخل علیا و قطعی نخل مقاصد هشی عجاظه درین
 باین چند سطر اقصا می نماییم و اگر بخوانست خدا بپاییم در ما
 از صحبت بکشاییم

احبار خارجه

بشارت

اگر شخص است کوئی با خبر و به که حکای بزرگ فرگفت علاج طاعون
 پیدا کرده اند آیا مرده بزرگی نداده روزنامه تربیت در این
 اول خود این مرده بطلعه کنندگان میدهد و میگوید اینم کی از خواب
 تربیت روزنامه هفتگی و با موزن تاریخ هفتم ماه نوامبر گوید
 طاعون کی از امراض پر خوف و وحشت و بالی است و اگر کسی تاریخ
 رجوع کند می بیند این مرض قاتل با نوع بشهر کرده چه روز مردم

آورده بدتر از همه اینکه این در درامانی نبود بلکه احدی باور نمینمود
که بتوان عللاجی برای آن پیدا کرد حالا معلوم میشود علیای علوم
جدیده این مرض را از پانده خسته کار این جسم آلوده آن نیز پخته
صاحبان آگاهی دانند که (میوپاشتر) معروف که در کشور
در افواج جاوید با دار اصلی موسوم به ابراهیم پاشتر بر پا کرده بود
که هنوز هم دایر است اجرای این دار ابراهیم که بر بیت جان حکیم
داشتند صاحب مقامی معلوم شده اند ماده پیدا کرده که برای
دفع طاعون مفید است (میوپاشتر) طبیب که حالا
چین است تجربه آن پر دشت و دفع و فایده آن یقین حاصل نموده
باین معنی که روزیازدهم ماه اکتبر همین سال مکرامی از طبیب مشایره
رسیده میگوید جوانی در شهر (کانتون) از بنا در معینه چین
مبتلا با خوشی طاعون شد و طبایر از معالجه آن با یو پس گفتند
من او را همان ماده اجرای دار ابراهیم پاشتر معالجه کردم و شفا
یافت پس از آن با تفتیح آن ماده پر دشت و عمل را تکرار کرد
و هر دفعه نتیجه خوب بخشد قنول شده اند نه مقیم بنگ گنگ
بغیر نه انده اطلاع داده که بعد از غزیت پیویرین میوپاشتر
همان ماده را بدو نفره شاگرد در پشته توکی که مبتلا برض طاعون

شده بودند تفتیح کرد و هر دو از خطر حبتند میوپاشترن آبروی
که از بنا در چین است رفته و ده روز در آنجا قات کرده و میت و
دو نفره برض مبتلا بطاعون ابین پنج معالجه نموده میت نفر
از آنها شفا یافته اند و لا بازمیوپاشترن در کار حبت به تحصیل نمید
طمان میباش

در هر حال شک نیست که ماده جنبه ای دار ابراهیم پاشتر در علاج
طاعون اثر بزرگی دارد و اگر دولت چین در این مسئله همکاری کند
یقیناً این مرض دهشتناک را میتوان از مملکت فرزند آسمان
پاشت یعنی بنیاد آن را برانداخت

پس پاشتر دانستند چه در حیات خود چه در مالت برای نوع انسان
وجودی سودمند بوده و خدمات بسیار بزرگ به عالم انبیا
نموده

طوفانی ایجات و فی المات

مختانت احدی المکرات

(اعلان)

قیمت اعلان غیر مکرر در این روزنامه پطری و شاهای است و اگر
یک اعلان را مکرر بخوانند پطری بخاچی محض اطلاع عرض شد